



درس خارج فقه

استاد گرانقدر

آیت الله حاج شیخ محمد قاینی

سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱

قم - پژوهشکده حج و زیارت ، گروه فقه و حقوق

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و صلى الله محمد وآله الطاهرين

و لعنة الله على أعدائهم إلى يوم الدين....

جلسه دوم: چنانچه امام جماعت ناصبی باشد نباید به او اقتدا نمود

خلاصه مباحث جلسه گذشته :

بحث در نماز با جماعت غیر شیعه بود و آیا اینکه حضور در نماز جماعت در جایی که امام جماعت غیر شیعه دوازده امامی است مطلوب می باشد یا نه؟ و بنا بر تقدیر حضور کیفیت نماز با مخالفین و با غیر امام جماعت شیعی چگونه است؟

در اصل نماز جماعت با مخالفین و کیفیت آن روایات فراوان و متشتتی در ابواب متفرق وسائل الشیعة مطرح شده است و ما ناچار شدیم این بحث را در جهاتی دنبال نماییم.

در جلسه قبل جهت اول آن را در مباحث ذیل بحث نمودیم:

- اصل مطلوبیت حضور با امام جماعت مخالف
- ثواب و فضیلت بالای شرکت در نماز جماعت مخالفین
- استحباب مؤکد شرکت در این نماز تا حدی که از نماز جماعت با امام جماعت شیعه بیشتر است.

مستفاد از برخی از نصوص این بود که نماز جماعت با آنها افضل از نماز با امام جماعت شیعی است و به این مطلب شهید ثانی تصریح کرده بود. طبق فرمایش ایشان در **دوران امر بین شرکت در نماز جماعت شیعه یا مخالفین** (در فرض وجود چنین دورانی) حضور با امام جماعت مخالف فضیلت بیشتر از امام جماعت شیعی دارد.

سؤال: آیا در این بحث به عنوان اولی و ثانوی توجه نباید کرد؟ همچنین آیا کسی ملتزم به این شده است؟

جواب: خود همین کار تقیه مداراتی است، در حالت تقیه اضطراری بحثی نداریم، در جایی که ضرورتی بالفعل ندارد چنین صحبتی می شود چراکه هدف ائمه هدی **بِإِتِّافٍ** از این گونه احکام، **حسن معاشرت با مخالفین و حفظ ظواهر اتحاد بین مسلمین** بوده است و **حیات شیعه** وابستگی به این دارد که شیعه با آنان حساسیتی نداشته باشد و تحرز از حضور در جماعت آنان نداشته باشد. حالا يك روایاتی امروز می خوانم که نشان می دهد شیعه در زیر ذره بین آنان بوده است و آنان حساس بوده اند به اینکه آیا شیعه به آنان اقتدا

می‌کند یا خیر؟ گویا به گوش آنان رسیده بوده است شیعه‌ها که با شما نماز می‌خوانند به این نماز اکتفا و اعتنایی ندارند.

سؤال: آیا اینجا عنوان ثانوی هست یا خیر؟

جواب: بله همین مطلب که ائمه هدی علیهم‌السلام عنایت داشته‌اند که اختلاف بین شیعه و سنی که در جامعه‌ی آن زمان بوده است به درگیری کشیده نشود تا جایی که فرموده‌اند: با آنان در معاشرت‌هایتان مثل شیعه معامله کنید. حتماً آن وقت هم اشخاص تندی بوده‌اند که به این حرف‌ها حساس بوده‌اند و روایاتی هم داریم، برای کم کردن حساسیت آنان، فرموده‌اند که نماز جماعت با مخالفین ثواب بیشتری نسبت به نماز جماعت با امام شیعه دارد.

شما در روایات مستحبات ببینید که نماز با آنان مثل نماز با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. در هیچ روایتی چنین ثوابی برای نماز با امام جماعت شیعه نداریم.

این عنوان ثانوی است که تا عصر ظهور حضرت بقیه الله علیه‌السلام خواهد بود.

ما معتقدیم نماز جماعت با آنان منعقد نمی‌شود ولی حضور با آنان سفارش شده است.

سؤال: در واقع تظاهر به نماز است؟

جواب: ما تعبیر به **ادب جماعت** کردیم. ادب نماز جماعت این است که امام جماعت حتی اگر فاسق هم بود از بعضی روایات استفاده می‌شود که همراه با او اگر نماز می‌خوانید، نماز را منفرد ولی همراه او بخوانید. رعایت ادب جماعت و تظاهر به چشم مخالفت با آنان نبودن.

سؤال: این کار ریا است؟

جواب: این مدل ریا در روایات سفارش شده است و بنده وقتی عبارت شهید ثانی را خواندم به این دلیل بود که ایشان فقیهی است که تردیدی در فقاهاش ایشان نیست. صاحب شرح لمعه، روضة الجنان است. ایشان فرمودند: «و أما الصلاة خلف المخالف ففيها ثواب عظیم، بل هي أفضل وأكثر ثواباً من جماعة المؤمنين؛ لأجل التقية...»^۱

سؤال: خوب اگر چنین حالت ادب جماعت که فرمودید به گوش آنان برسد که هیچ تأثیری نخواهد داشت؟

جواب: ما می‌گوییم ما حرمت جماعت را نگه می‌داریم و اینکه یکی از شروط امام جماعت شیعه بودن اوست و به رضایت و عدم رضایت مخالفین ما از این شرط رفع ید نمی‌کنیم. ولی رعایت ادب جماعت و حرمت جماعت را می‌کنیم. بعضی از آقایان می‌گفتند که وقتی نماز جماعت شروع شد، عده‌ای از مردم از

۱. رسائل، الشهيد الثاني ۱: ۵۸۵.

جماعت خارج شوند این باعث تلقی غلطی از شیعیان خواهد شد. لذا سفارش شدید و اکید شد به حضور در مساجد آنان و نماز با آنان و لازم نیست بدانند ما به چه صورتی با آنان نماز می‌خوانیم.

ضمن اینکه همراه آنان خوانده می‌شود و نماز منفرد است، در عین حال برخی از احکام جماعت را باید مراعات کند، کما اینکه در برخی از روایات که امروز خواهیم خواند اشاره شده است که حمد در پاره‌ای از حالت‌ها از مأموم ساقط می‌شود. مأموم می‌تواند به قرائت امام اکتفا کند با اینکه نماز جماعت منعقد نشده است. نظیر اینکه اگر کسی صدای اذان را شنید می‌تواند به آن اذان اکتفا نماید. اگر قرائت امام جماعت مخالف را شنید می‌تواند به آن اکتفا نماید و قرائت خود را انجام ندهد.

سؤال: این هم از باب تقیه است؟

جواب: تقیه نه به معنای ترسی که تخلف ممکن نباشد، بلکه همان تقیه مداراتی است و شخص می‌تواند نماز را در هتل بخواند و ناچار به نماز با مخالفین نیست، در عین حال گفته شده است که با آنان نماز بخواند.

مباحث این جلسه :

این مطلوبیت نماز با مخالفین که سفارش شده است، شرطی دارد و آن **ناصبی نبودن امام جماعت مخالف** است و او کسی است که با اهل بیت علیهم‌السلام دشمنی دارد. ما ناصبی را کافر می‌دانیم. مخالفت امام جماعت در نصب خاص ائمه علیهم‌السلام که معتقد شیعه است، نیست؛ بلکه دشمنی با ایشان دارد. چنین شخصی مسلمان نیست و متأسفانه از صدر اسلام در زمان حیات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا بعد از ایشان دشمنی با امیرالمؤمنین علیه‌السلام وجود داشت. دشمنی‌هایی که أحياناً منجر به تندی‌هایی هم شد. پس اگر امام جماعت ناصبی است و جنبه‌ی عداوت با اهل بیت علیهم‌السلام دارد، نماز جماعت نباید با او خوانده شود.

فقها تعبیر به کفر او می‌کنند که فعلاً در مسیر بحث ما نیست. اینکه فقهاء قائل به کافر بودن او هستند به این جهت است که محبت و ودّ به اهل بیت علیهم‌السلام از مواردی است که مورد توافق کلّ مسلمانان است و از ضروریات دین است.

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۲

لذا معمولاً آنان تظاهر به دشمنی نمی‌کنند و حتی اگر گاهی وقت‌ها کارهایی بکنند که دشمنی با ائمه هدی علیهم‌السلام را برساند باز در ظاهر می‌گویند که علی ابن ابی طالب علیه‌السلام و فرزندان او را دوست داریم.

۲. سوره شوری: ۲۳.

سؤال: در وهابی‌ها اینگونه است؟

جواب: اتفاقاً خود وهابی‌ها ابراز محبت می‌کنند. در ایام حج در مدینه منوره تابلوهایی را نصب می‌کنند و عده‌ای از امامزاده‌های ما را همراه با زندگینامه‌ی آنان مطرح می‌کنند و اینگونه استفاده می‌کنند که ما این‌ها را قبول داریم و چرا شما شیعیان از آنان تندتر عمل می‌کنید؟

سؤال: شما بحث ناصبی را مفروغ عنه می‌گیرید؟ در حالی که بحث ناصبی مهم است.

جواب: بله، بحث ما در استثنائات فضیلت نماز با مخالفین است که یکی از آن استثنائات ناصبی بودن امام جماعت است؛ آن مطلوبیتی که در روایات پیرامون نماز با مخالفین آمده است برای غیر ناصبی است.

سؤال: در روایات آمده است: «...لَيْسَ النَّاصِبُ مَنْ نَصَبَ لَنَا أَهْلَ الْاَلِيَّتِ...»^۳ ناصبی کسی است که با شما شیعیان مخالفت کند.

جواب: بله منظور از ناصبی کسی است که با شیعیان دشمنی کند.

سؤال: این تخصیص اکثر شد.

جواب: این دشمنی بخاطر شیعه بودنشان است. دو نفر شیعه هم ممکن است با هم دشمن باشند بخاطر قتل یا چیز دیگر، این ناصبی نیست؛ ناصبی کسی است که با شیعه‌ای دشمنی کند به این دلیل که شیعه اهل بیت علیهم‌السلام است. آنان جرأت ندارند بگویند که ما با علی بن ابی طالب علیه‌السلام دشمن هستیم. ناصبی دشمنی با امیرالمؤمنین علیه‌السلام را از طریق دشمنی با شیعه نشان می‌دهد.

سؤال: پس وهابی‌ها را شامل می‌شود؟

جواب: ملازمه ندارد، البته شاید بعضی از تندهای آنان اینگونه باشند که فقط بخاطر شیعه عداوت داشته باشند ولی نه سنی بودن و نه وهابی بودن ملازم با ناصبی بودن است. البته ممکن است سنی غیر وهابی داعشی بخاطر شیعه بودن دشمن شیعیان است. اما صرف سنی بودن ملازمه با ناصبی بودن ندارد.

اما روایات متعددی پیرامون شرط ناصبی نبودن امام جماعت مخالف وجود دارد که اشاره می‌کنیم.

✽ روایت معتبره حلبی از امام صادق علیه‌السلام که جناب صدوق آن را نقل کرده است.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَأْتَانِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ: «لَا تُصَلِّ خَلْفَ مَنْ يَشْهَدُ عَلَيْكَ بِالْكَفْرِ وَلَا خَلْفَ مَنْ شَهِدَتْ عَلَيْهِ بِالْكَفْرِ»^۴.

لَا تُصَلِّ خَلْفَ مَنْ يَشْهَدُ عَلَيْكَ بِالْكَفْرِ ، وَلَا خَلْفَ مَنْ شَهِدَتْ عَلَيْهِ بِالْكَفْرِ پشت سر کسی که

حکم به کفر تو می‌کند یا تو به کفر او حکم می‌کنی، همراه او نماز نخوان.

✽ معتبره فضیله که صاحب وسائل این روایت را در باب ۵ نقل کرده است.

۳. وسائل الشیعة، حرّ عاملی ۹ : ۴۸۶ ، ح ۳ (۱۲۵۴۸).

۴. وسائل الشیعة، حرّ عاملی ۸ : ۳۱۱ ، ح ۷ (۱۰۷۵۵).

وَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مُنَاكَحَةِ النَّاصِبِ وَ الصَّلَاةِ خَلْفَهُ؟ فَقَالَ: «لَا تُنَاكِحُهُ وَ لَا تُصَلِّ خَلْفَهُ».^٥

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مُنَاكَحَةِ النَّاصِبِ وَ الصَّلَاةِ خَلْفَهُ نَاصِبِي رَا دَخْتَرِ بَدِهِيمِ يَا زَاوِ دَخْتَرِ بَكِيرِيمِ، پِشْتِ سَرِ اَوْ نَمَازِ بَخَوَانِيمِ يَا نَه؟ فَقَالَ: لَا تُنَاكِحُهُ وَ لَا تُصَلِّ خَلْفَهُ بَا آنَانَ مَنَاكِحَهُ نَكْنِيدِ وَ نَمَازِ هَمِ پِشْتِ سَرِ آنَهَا نَخَوَانِيدِ.

روایاتی که گذشت: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ كَانِ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ...»^٦ این جا می فرماید پشت سر ناصبی نماز نخوانید.

معتبره ابن اذینه که روایت جالبی است که در باب ۱۰ و سائل آمده است و توریه کردن ائمه علیهم السلام را نشان می دهد. سند در **علی بن سعد البصری** مشکل دارد و مجهول است.

وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ سَعْدِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي نَازِلٌ فِي بَنِي عَدِيٍّ وَ مُؤَدِّئُهُمْ وَ إِمَامُهُمْ وَ جَمِيعُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ عُثْمَانِيَّةٌ يَبْرَءُونَ مِنْكُمْ وَ مِنْ شِيعَتِكُمْ وَ أَنَا نَازِلٌ فِيهِمْ، فَمَا تَرَى فِي الصَّلَاةِ خَلْفَ الْإِمَامِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَلِّ خَلْفَهُ قَالَ: وَ احْتَسِبْ بِمَا تَسْمَعُ وَ لَوْ قَدِمْتَ الْبَصْرَةَ لَقَدْ سَأَلْتُ الْفَضِيلَ بْنَ يَسَارٍ وَ أَخْبَرْتَهُ بِمَا أَفْتَيْتَكَ فَتَأْخُذُ بِقَوْلِ الْفَضِيلِ وَ تَدَعُ قَوْلِي. قَالَ عَلِيُّ: فَقَدِمْتُ الْبَصْرَةَ فَأَخْبَرْتُ فَضَيْلاً بِمَا قَالَ. فَقَالَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا قَالَ وَ لَكِنِّي قَدْ سَمِعْتُهُ وَ سَمِعْتُ أَبَاهُ يَقُولَانِ: «لَا تَعْتَدُ بِالصَّلَاةِ خَلْفَ النَّاصِبِيِّ، وَ اقْرَأْ لِنَفْسِكَ كَأَنَّكَ وَحْدَكَ».^٧

إِنِّي نَازِلٌ فِي بَنِي عَدِيٍّ در يك عشیره ای و **مُؤَدِّئُهُمْ وَ إِمَامُهُمْ وَ جَمِيعُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ عُثْمَانِيَّةٌ** **يَبْرَءُونَ مِنْكُمْ وَ مِنْ شِيعَتِكُمْ** یعنی يك محل تند و مخالف است، مسجد آن طائفه بوده است لذا همه اهل مسجد از مؤذن گرفته تا امام جماعت و مأمومین مخالفین ائمه هدی علیهم السلام هستند. **وَ أَنَا نَازِلٌ فِيهِمْ** منزل من در آن محله است **فَمَا تَرَى فِي الصَّلَاةِ خَلْفَ الْإِمَامِ** نظر شما چیست پیرامون نماز پشت سر چنین امام جماعتی؟ **فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلِّ خَلْفَهُ قَالَ وَ احْتَسِبْ بِمَا تَسْمَعُ** پشت سرش نماز بخوان و حمدی را که او می خواند به حساب بیاور و قرائت از تو ساقط است بعد حضرت به او فرمود **وَ لَوْ قَدِمْتَ الْبَصْرَةَ لَقَدْ سَأَلْتُ الْفَضِيلَ بْنَ يَسَارٍ** وقتی بصره برگشتی فضیل بن یسار از تو سؤال می کند و اینکه آیا امام را دیدی و چه گفتی؟ **وَ أَخْبَرْتَهُ بِمَا أَفْتَيْتَكَ** به او این فتوا را بگو که با امام جماعت عثمانی نماز بخوان و قرائت هم نخوان **فَتَأْخُذُ بِقَوْلِ الْفَضِيلِ وَ تَدَعُ قَوْلِي** اگر فضیل چیز دیگری گفت حرف او را بگیر و نظر من را رها کن.... این نشان می دهد که امام در تقیه بوده است. **قَالَ: عَلِيُّ فَقَدِمْتُ الْبَصْرَةَ فَأَخْبَرْتُ فَضَيْلاً بِمَا قَالَ** علی بن سعد به بصره

٥. وسائل الشیعة، حرّ عاملی ٨ : ٣٠١، ح ٧ (١٠٧٢٧).

٦. وسائل الشیعة، حرّ عاملی ٨ : ٢٩٩، ح ١ (١٠٧١٧).

٧. وسائل الشیعة، حرّ عاملی ٨ : ٣١٠، ح ٤ (١٠٧٥٢).

برگشت و جریان را با فضیل در میان گذاشت. **فَقَالَ: هُوَ أَكْبَرُ بِمَا قَالَ فَضِيلُ** گفت امام خودش می‌داند و آن چه که فرموده نماز بخوان خواستی عمل کن. **وَ لَكِنِّي قَدْ سَمِعْتُهُ وَ سَمِعْتُ أَبَاهُ** اما آن چه که از امام صادق و امام باقر علیهما السلام شنیده‌ام این است که فرمودند: **لَا تَعْتَدُ بِالصَّلَاةِ خَلْفَ النَّاصِبِيِّ** اعتماد و اکتفا به نماز پشت سر ناصبی نکن **وَ أَقْرَأْ لِنَفْسِكَ كَأَنَّكَ وَحْدَكَ** حمدت را خودت بخوان و اکتفا به آن قرائت نکن.

صاحب وسائل می‌فرماید: صدر این حدیث ظهور در تقیه دارد و خیلی روشن است که امام وقتی به او می‌گوید نزد فضیل برو و حرف فضیل را عمل کن و حرف مرا رها کن دلیل بر تقیه بودن است.

از این روایت هم استفاده می‌شود که نماز خواندن با ناصبی حکم خاص دارد و با نماز خواندن در خلف مخالف متفاوت است. البته شاید گاهی بخاطر تقیه خوفی خلف ناصبی نماز بخواند.

سؤال: شاید حکم ناصبی حکم اولی در مسأله باشد.

جواب: فرموده است با ناصبی نباید نماز خواند.

سؤال: غیر شرایط تقیه مداراتی نباید خواند.

جواب: چنین چیزی ندارد، فرض تقیه ضرورتی نبوده است و الا در تقیه ضرورتی دستور داده‌اند و در غیر آن حکم کرده‌اند که دختر به ناصبی نده و پشت سر او نماز نخوان، متوجه حکم اولی و ثانوی نمی‌شوم.

معتبره صفوان جمال که این روایت را در باب ۳۵ از ابواب نماز جماعت است. روایت از محاسن برقی است. احمد بن محمد البرقی فی المحاسن از پدرش محمد بن خالد برقی از صفوان جمال که روایت معتبره است.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ عِنْدَنَا مُصَلِّيًّا لَا نُصَلِّي فِيهِ وَ أَهْلُهُ نَصَابٌ وَ إِمَامُهُمْ مُخَالِفٌ فَأَعْتَمُّ بِهِ؟ قَالَ عليه السلام: «لَا». فَقُلْتُ: إِنَّ قَرَأَ أَقْرَأَ خَلْفَهُ؟ قَالَ عليه السلام: «نَعَمْ. قُلْتُ: فَإِنْ نَفِدَتِ السُّورَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ؟ قَالَ عليه السلام: «سَبَّحْ وَ كَبِّرْ إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْقُنُوتِ وَ كَبِّرْ وَ هَلَلْ» ۸.

إِنَّ عِنْدَنَا مُصَلِّيًّا در شهر ما مصلائی است **لَا نُصَلِّي فِيهِ** ما شیعیان در آن‌جا نماز نمی‌خوانیم **وَ أَهْلُهُ نَصَابٌ** اهل آن مسجد ناصبی هستند **وَ إِمَامُهُمْ مُخَالِفٌ فَأَعْتَمُّ بِهِ؟ قَالَ: لَا** به آنان اقتدا نکنید **فَقُلْتُ إِنَّ قَرَأَ أَقْرَأَ خَلْفَهُ** او حمد را می‌خواند من حمد خودم را بخوانم **قَالَ: نَعَمْ** حالا اگر قرار شد همراه آنان بخوانی حمد را خودت بخوان در حالی که در برخی روایات دیگر آمده که به قرائت آنان اکتفا می‌شود کرد ولی در این روایت آمده است که حمد را خودت بخوان **قُلْتُ فَإِنْ نَفِدَتِ السُّورَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ** ما شیعه‌ها عادت داریم که با سوره‌ی کوتاه نماز می‌خوانیم و حمد را خواندم و سوره تمام شد و امام جماعت‌های آنان بخش زیادی از سوره طوال را می‌خوانند **قَالَ: سَبَّحْ وَ كَبِّرْ** شروع کن برای خودت ذکر بگو **إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْقُنُوتِ وَ كَبِّرْ وَ هَلَلْ**. دعا خواندن است و اشکالی ندارد.

۸. وسائل الشیعة، حرّ عاملی ۸: ۳۷۱، ح (۱۰۹۳۱).

نکته‌ای اینجا هست که اگر آن ناصبی امام جماعت نمازش به صورت جهر باشد؟ ما نسبت به آنان طبق این روایت امر به خواندن حمد شده‌ایم، ولی نسبت به قرائت آنان صدا به صدا نشود و کاری نشود که به قرآن توهین شود و حرمت قرآن را باید حفظ کرد. روایت داریم که او وقتی مشغول قرائت هست، شما گوش کنید. این روایتی که دارد **إِقْرَأْ** به ضمیمه آن روایت که می‌گوید بخوانید، ولی آهسته بخوانید. در روایت هست که در نماز جهریه گوش کنید و در روایت دیگر داریم که می‌توانید به حمد او اقتدا کنید حتی ناصبی. حضرت می‌فرماید: امام جماعت ناصبی است و شما اگر همراه او خواندید آهسته و در دل بخوانید مانند نماز منفرد، با اینکه نماز جهریه است، این شرط ساقط می‌شود. نسبت به آن قرائت امام انصاف داشته باشید و حالت بی‌احترامی به قرائت قرآن آنان نشود. بعد در روایت دیگری داریم که می‌توانید قرائت هم نداشته باشید و به همان قرائت امام جماعت آن‌ها گوش دهید که با همین گوش دادن گویا خوانده‌اید.

نتیجه این می‌شود که اگر با امام جماعت ناصبی نماز خواندید اولاً حق ندارید به قرآن خواندن آنان بی‌اعتنایی کنید و باید انصاف کنید. اگر صدای امام جماعت را نمی‌شنوید که خودتان می‌خوانید و اگر می‌شنوید انصاف باید کرد و مستحب است که آهسته خوانده شود و همچنین جایز است که به قرائت آنان اکتفا شود.

حالا بفرمایید این گونه نماز خواندن با آنان بهتر است یا نخواندن؟

سؤال: این نوع فرمایش شما در واقع اقتدا به ناصبی را نفی کرد؟

جواب: در مورد ناصبی روایات خاص نداریم که مانند نماز خواندن پشت سر رسول خدا ﷺ است.

سؤال: اگر ناصبی را عثمانی بدانیم تا قرن سوم ادامه دارد.

جواب: عثمانیه به این معنا نیست که عثمان را خلیفه سوم پیامبر ﷺ می‌دانند، بلکه کسانی هستند که

یبرء وون منکم هستند.

سؤال: عثمانی‌ها خلافت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را قبول ندارند، لذا بخاری می‌گوید و آیامه أيام فتنة...

جواب: نمی‌دانم، سنی داریم که سه خلیفه‌ای باشد.

سؤال: قبل از قضیه تریب که در قرن سه آمده، همه‌ی آنان سه خلیفه‌ای بوده‌اند.

جواب: این مطلب را بنده از شما می‌شنوم!

یعنی تا زمان احمد بن حنبل منکر خلافت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده‌اند. یعنی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را به عنوان

خلیفه چهارم قبول نداشته‌اند؟ این را از شما می‌شنوم.

سؤال: در تاریخ اسلام مبحثی به نام تریب است. چهارمین خلیفه را قبول کردند، آنان بخاطر اینکه

عبدالله بن عباس که جدّ خلفای عباسی است خلافت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را امضا نموده است، آن را پذیرفته‌اند.

جواب: بنده این حرف را از شما می‌شنوم، ممکن است گروهی باشند ولی همه‌ی مخالفین تا زمان

احمد بن حنبل سه خلیفه‌ای باشند.

در شورای عمر که عثمان به خلافت رسید یکی از افراد امیرالمؤمنین علیه السلام است.
سؤال: شما بفرمایید کسانی که در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام جنگیدند به آنان متشیع می گفتند.
جواب: کسانی که با حضرت جنگیدند شاید چنین اعتقادی داشته‌اند ولی معنای آن این نیست که همه مسلمین چنین اعتقادی داشته‌اند.^۹

فعلاً آن که هست در زمان امام صادق علیه السلام که این روایات صادر شده است، فرض این است که مخالفین نه تنها امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان خلیفه قبول داشته‌اند بلکه اولاد حضرت را به عنوان اهل بیت علیهم السلام قبول داشته‌اند. در حالی که عده‌ای کثیری از مخالفین، شاگردان امام صادق علیه السلام بوده‌اند.

جمع بین روایات این می‌شود:

- ۱: حکم امام جماعت ناصبی از صلوات خلف مخالف خارج شده است.
 - ۲: اگر جایی با امام جماعت ناصبی نماز خواند در نمازهای جهریه انصات کند، و مأموم قرائت خود را در نمازهای إخفاتیه آهسته بخواند.
- نسبت به تکمیل بحث در جلسه‌ی آینده صحبت خواهیم نمود.

و الحمد لله رب العالمین

پایان درس دوم



۹. نگاه کنید: تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، : ۶۴ «... پیشینه پاره‌ای از عقاید این فرقه - وهابیت -، به قرن اول تا سوم هجری بر می‌گردد. امامت احمد بن محمد حنبل (۱۶۴ - ۲۴۱ ق) در عصر متوکل عباسی، سبب شد تا عقاید اهل سنت، تدوین شود... ولی احمد بن تیمیه حرانی دمشقی (م ۷۲۸ ق) در قرن هشتم، دوباره مکتب احمد را مطرح کرد و سلفی‌گری را مورد توجه قرار داد. ابن تیمیه، احادیث تشبیه و تجسیم و جهت داشتن خدا را بار دیگر طرح نمود و فراتر از کار ابن حنبل، برخی از فروع دین را در اصول دین، وارد کرد... علاوه بر آن، احادیث فراوانی را که درباره فضائل اهل بیت علیهم السلام وارد شده و خود ابن حنبل و شاگردان وی نیز آنها را نقل کرده‌اند، نادرست خواند و همه را انکار کرد و مسأله تریع و این که امام علی علیه السلام چهارمین خلیفه اسلامی است را موهون و سست اعلام کرد. عده‌ای نیز در مصر و شام، پیرو او گردیدند. بر اساس افکار ابن تیمیه، بسیاری از مسلمانان، مشرک به شمار می‌آمدند». البته نیازمند دقت بیشتری است. احتمال می‌رود که سؤال کننده بین عبد الوهاب و ابن حنبل خلط نموده باشد.